

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
27 مارچ 2009

روح و ریحان داشتیم

یاد ایامی ، لب و دندان خندان داشتیم
اتحاد و اتفاقی ، از دل و جان داشتیم
در ضیافت ها ، همه حاضر به شوق و اشتیاق
جان فدای همدگر ، با نور ایمان داشتیم
گریکی مجنون میشد ، دیگری لیلای او
جمله مجنون ، گریکی لیلای جانان داشتیم
گریکی شیرین بودی ، دیگران فرهاد او
هر یکی صد تیشه آهن ، ز مژگان داشتیم
نه هراسی از خزان و نه ز جور باغبان
غنچه ای گر می شگفت ، خیل هزاران داشتیم
دور نور هر شمعی پروانه گر پر می زدی
ما به نور همدگر ، صد جان به قربان داشتیم
هریک از پیر و جوان و مرد و زن ، با همدگر
چون بهشت جاودان و حور و غلمان داشتیم
نو شگفته غنچه سان در باغ و بستان وصال
رنگ و بوی وحدت از پاکی وجدان داشتیم

ناگهان طاعونی آمد ، دامنِ پاکان گرفت
امتحانِ پاک و ناپاکی ، ز یزدان داشتیم
آن یکی افتاد ، اندر بسترِ کبر و غرور
با خضوع و با خشوع، ای کاش درمان داشتیم
دیگری در دامِ حرص افتاد با پولِ کثیر
هم گدا و هم فقیر و دزد ، إخوان داشتیم
ثروتِ مُفت است در عالم ، به مانند محک
ورنه در دل الفت و مهرِ عزیزان داشتیم
آن یکی مغرورِ حُسن و فهمِ نافرجامِ خود
ای دریغ انگشتِ حسرت ، زیرِ دندان داشتیم
دیگری با خود نمایی غاصبِ رأیِ عموم
یا که ترکِ مجلسِ یار و رفیقان داشتیم
ای خدا انصاف ده ، از فضلِ بی پایانِ خود
تا که از عدلت بکف ، شاهین و میزان داشتیم
اتحاد و اتفاقی ، بینِ ما ایجاد کن
بُغض و کین و دشمنی ها را ، گریزان داشتیم
چون شمع و پروانه ها هریک به بزمِ دوستان
کاش ما هم جان فدا ، با روح و ریحان داشتیم
هر که را گر خدمتِ احباب باشد آرزو
سُرمه از خاکِ قدم هایش ، به چشمان داشتیم
« نعمتا » نبود به عالم ، افتخاری بیش ازین
خدمتی بر دشمنان و گر به یاران داشتیم